

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

تیمورشاه تیموری

دردِ مهجوری

تذکر:

به تاریخ ۱۲ جنوری ۲۰۱۴ به اقتفاء از یک غزل ابوالمعانی حضرت بیدل مشاعره ای بین دیپلوم انجنیر خلیل الله معروفی و الحاج ناظم صاحب باختری صورت گرفته بود که من به اثر غفلت و تساهل از آن افتخار عقب ماندم. تا اینکه چند روز قبل جناب باختری صاحب از موضوع یادآوری کرده و سهل انگاری مرا به رخم کشیدند. چون من به مجالس ادبی دوستان میل مفرط دارم، چند فرد ناچیز که از غزلهای سروده شده بسیار در مرحله نازل قرار دارد نوشتیم، امید طرف توجه دوستان قرار گیرد. مطلع غزل حضرت بیدل این است:

یاد آن فرصت که عیش رایگانی داشتیم

سجده ای چون آستان، بر آستانی داشتیم

دردِ مهجوری

یاد آن فرصت که شور هر زمانی داشتیم

دردِ مهجوری و عشق بی لگامی داشتیم

همچو سایل بر درش بودیم در عجز و نیاز

رنگ رخساری به مثل زعفرانی داشتیم

عاشقان با دلبران بودند در راز و نیاز

ما ز بدبختی جفای پاسبانی داشتیم

ناتوانیها ز بس بر جسم و بر جان چیره شد

در حضور پرتوانش کی توانی داشتیم

خنده بر لب بود اما سوز هجرش در نهاد

در ایام خوشدلی درد نهانی داشتیم

تا بگفتند آب سازد نرم، سنگ خاره را در قدومش هر زمان اشک روانی داشتیم

تیموری از سرفرازی حرمتی حاصل نشد

سجده های پی به پی در آستانی داشتیم

(المان - شهرک زیزن، ۱۷ فبروری ۲۰۱۴)